

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: مطب علوی خان

مولف متن: سید محمد هاشم معروف به سید علوی خان ابن محمد هادی

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر .... نوع خط: نسخ تعداد سطر: ۲۰

نام کاتب ....

موضوع: طب زبان: اردو عدد اوراق: ۱۴۶

طول: ۳۲/۵ عرض: ۲۰ شماره عمومی: ۳۵۳۵۴

وقفی / خریداری: اهدائی سعام معظم تاریخ وقف: اردیبهشت ۸۶

ملاحظات ....

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد
واله اجمعین بدان ای طالب فن طبابت که این نسخه چند است از مجربات
روزمره مخترعه مستنبط زبدة المتاخرین معتمد الملوک میر ہاشم المخاطب بحکیم الملک
سید علویخان ابن میر ہادی شیرازی جزاهما الله خیر الجزاء که سلسلهٔ سند طبابت ایشان
باطبای خوزستان وطبرستان میرسد واز ایشان باطبای خراسان واز ایشان
بحکیم ابقراط واز ابقراط بحکیم اسقیوس واز اسقیوس بحضرت سلیمان علی نبینا وعلیه الصلوة و
السلام میرسد وچون این نسخهای جامع المنافع ماخوذ ومستنبط است از نسخهای
منقوله ماثوره ارباب صناعت کامله حکمای ماہرین سلف واطبای مجربین قدما ومتاخرین
خلف از اطبای یونان واطبای فارس وتوران وروم وہند وخراسان که اولاً بافکار صائبه ایشان
ترکیبات غریبه بمنصهٔ ظهور آمده وثانیاً زبدة المتاخرین بحسب تجربه وقیاس عملی استنباطات کرده موافق امزجه

وامراض اہل ہند نسخهای مرکبهٔ عجیبه تالیف نموده ظاہر است که اینطور علاج ممتزج از
ہندی ویونانی پیش ازین در ہندوستان نبوده محض بقدم اہل ولایت خصوص بعد آمدن زبدة
المتاخرین درین دیار شایع گشته پس اولی آنست که بموجب وصایای سلف تا وقتیکه طبیب معالج
در ست علم اصول التراکیب از کتب متقدمین ومتاخرین ومواضع استخراجات مرکبات در نیابد
واز عمل اطبای سلف ومواضع استعمال المرکبات کما ینبغی اطلاع نیابد ودر صنوف تدبیرات امکانی
ووجوه معالجات متوافره بخدمت استاد کامل جامع علم وعمل مستند بانبیاء مرسل مهارت
کلی بنسخه نویسی پیدا نکند اقدام بعلاج ممنوع داند وبی اجازت وبی حصول سند ہرگز مبادرت واجرا
در علاج ننماید لیکن از انجاکه این نحو کمال درین جزو زمان که کشاد بازار این قسم است واز رو بها
ہیچکی متمیز نمانده وکسی در طالبان این فن بمرتبه مهارت کرده ونوبت علاج ومعالجه
بهر که ومه رسیده وهر پنساری دوکان طبابت چیده بنا بران این فقیر برای مبتدیان
قلیل البضاعت نسخه چند بطور مطب نوشته انشاء الله تعالی مطالعه اش تلافی کم نسخه نویسی خواہد
وتدارک نسیانی که از علم مجارست علاج راه یافته باشد کند ومتفقه برای آینده وتذکره برای
آنطالب که از اساتذه حاصل کرده باشد گردد ومولف حقیر امیدوار فاتحه واستغفار ودعای
حسن خاتمه از طالبان است وسایل غفران بدل منتظر وبدیده نگران بیت السلام ای
بعد ما آیندگان رفتی ❊ بر شما خوش باد تا خوشهای دنیای دنی ❊ انه عفو غفور

والا اگر این مرض از احتراق بلغمی باشد تنقیه بدن از بلغم محترق و اگر احتیاج شود
فصد باسلیق و اگر از احتراق صفراء باشد فصد باسلیق و استعمال شیره خرفه شیره تخم کدو شیرین
شیره مغز تخم هندوانه در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی برآورده بتبر نیلوفر و حلکرده استعمال نمایند غذا
قلیه خشکه ماء الشعیر و استعمال ماء الجبن نمایند با سکنجبین افتیمونی. صفت آن اسطوخودوس ده درم
بادیان پنجدرم افتیمون ولایتی پنجدرم بسفایج فستقی پنجدرم برگ سنا هفتدرم نیمکوب کرده
در سرکه خیسانیده پنجاه درم و آب نیم آثار در آن و حلکرده بجوشانند با قند سفید نیم آثار
بقوام آرند. نسخه سفوف لاجورد که در ماء الجبن جلاب این عمل می آرند پوست هلیله سیاه پوست هلیله
کابلی پوست هلیله زرد اسطوخودوس افتیمون نمک سیاه نمک لاهوری حجر ارمنی هر یک فرنجمشک لاجورد مغسول کوفته
بیخته سفوف سازند. و اگر دهن تلخ بسیار باشد در ماء الجبن روز جلاب تمر هندی یا شیره تخم کاهو
مغز خوش گلقند آفتابی روغن بادام حلکرده استعمال نمایند و اگر از احتراق خون باشد
فصد باسلیق و استعمال چیزهائیکه حرارت خون فرونشانند مانند عرق شاهتره و عرق عنب الثعلب
و عرق کاسنی شیره کشنیز شیره مغز تخم کدو شیرین آب عناب برآورده بتبر نیلوفر
حلکرده استعمال نمایند و ماء الجبن از پنیرمایه دهند. مالیخولیا مراقی فصد باسلیق
بعده استعمال مدرات صفت آن شیره تخم خیارین ولایتی یک نیم درم شیره مغز تخم خربزه خارخسک
در عرق عنب الثعلب شیره کشنیز گلقند آفتابی سائیده حلکرده بنوشند و اگر ازین فایده حاصل
نشود استعمال ماء الجبن نمایند و اگر مزاج صفراوی باشد از سرکه والا از پنیرمایه دهد معتم مسهل
قوی نوشته اند. و اگر ضرورت داعی باشد از کثرت مقدار ماده وحدت آن و عفونت آن

۱۱۳

باب اوّل در امراض راس
مع چشم و گوش و دهن وغیره

در صداع اکثر مخدرات طلا میسازند چون افیون وغیر آن و شک نیست که فی الفور رفع میشود لیکن حکما منع کرده اند که گاهی
بهلاکت می انجامد و عند الضرورت اگر استعمال نمایند اصلاح سید نمایند مثل زعفران و بابونه اگر خون از بینی صاحب صداع آید بند نکنند که علامت
نیک است مگر آنکه صداع خونی نباشد و خون بسیار آمده باشد که بسبب ضعف بند کنند و بر آمدن ریم از بینی و گوش در بیماری سر علامت نیک
قرص مثلث النافع من الصداع والسهر بان یطلی علی الجبهة والصدغین یوخذ زعفران و افیون و بزر البنج و قشور اصل اللفاح
بالسویة یجمع مدقوقة و یعجن بماء الحنی و یقرص مثلثا دیگر بجهة صداع صفراوی و دموی سیاه دانه با شیر برگ رونه
ساییده ناس دهند دیگر صداعی که از گرمی آفتاب یا آتش باشد صندل کافور معه گلاب ساییده بر پیشانی طلا سازند ایضاً
تخم کشوث نبات زعفران ساییده با روغن گاو یا روغن کدو مخلوط سازند و بگذرد بسر یکبار از گرمی لحو بجهة اصلاح نوبت بنام
ضماد سازند لته شسته کافور گل بنفشه آمله مقشر حنا ایضاً آس را ساییده با شراب سیب ترکرده بر پیشانی طلا سازند و روغن بید
شفا یابد برای شقیقه صمغ عربی افیون زعفران و سپیده بیضه مرغ با گلاب بسرشند و بر کاغذ روبیه وار تراشیده
و از سوزن سوراخ کرده بر هر دو شقیقه گذارد شفا یابد حضور فندرینگه که جهنده باشد ایضاً برای شقیقه زعفران در روغن گاو
سرشته سعوط کنند رفع شود برای صداع مزمن خواه شقیقه باشد یا غیر نوشادر زعفران سیاه و نمر در آب ساییده با روغن گاو
نیم گرم کرده بر پشت خوابیده ناس نمایند مجرب است ایضاً زنجبیل بسباسه بیخ کرس تخم کشنیز هر یک درم در آب جوش داده
یکهفته بخورد ایضاً افیون روغن کنجد آب چاه بیخ سیر بجوشانند تا که روغن بماند و آب بسوزد بر سر و پیشانی طلا سازند ایضاً
اگر شقیقه دیر مانده باشد اول در چشم مخالف ببند و در سوراخ کنند که رنگ بی نیز در شود و مگس سیاه پر و بال در کرده با یکدانه برنج

ورق طلا ده عدد آمیخته لگاهدارند خوراک شش ماشه همراه عرق کیوره ۲ توله صبح و شام الضاً نسخهٔ جواهر مهره م

ورق طلا ورق نقره مشک خالص عنبر اشهب مومیائی زمرد مروارید ناسفته ابریشم سوخته جدوار خطائی

یشب سبز دندان فیل سوخته مرجان سفید نارجیل دریائی شاخ گوزن در عرق کیوره و گلاب حل کنند القدر

یک رتی الضاً یاقوتی برگ گاوزبان گل گاوزبان بنفشه کشمیری ابریشم خام سنبل الطیب برگ بادرنجبویه

اسارون پوست بیرون پستان عناب ولایتی افسنتین رومی حب الاس کشنیز خشک املهٔ منقی برادهٔ

صندل سفید خیسانیده پوست اترج عود غرقی عود هندی عود بلسان بهمن سفید بهمن سرخ تودری سفید تودری زرد

لسان العصافیر شقاقل ثعلب مصری مصطگی دارچینی زرنب جدوار خطائی دارچینی قرنفل یاقوت

لاجورد یشب سبز زعفران شربت انار مربا آمله مربا سیب مربا ادرک نبات سفید مشک خالص آمله تازه

در شیر جوشانیده صاف نموده اول ادویه خیسانیده در آب جوشانیده صاف نموده با مربا و شربت و مصری آمله یکجا کرده

نبات انداخته بقوام آرند و شربت انار در سرشامل کرده قوام نمایند تمام نمانده پس ادویه سفوف در مربا بیامیزند

ضماد سه ماشه برای اوجاع ضرب و سقطه و ورم طحال و جگر و ورم رحم و غیره ریشه خطمی برگ گاوزبان تخم خطمی

بزرکتان صبر عناب ولایتی سپستان ملیٹی تخم کوچه کهاری نمک موم خام مصطگی رومی مومیائی قریب

تیار باشد اول ادویه در آب خیسانیده صباح جوشانیده بعده جوش صاف نموده بریزند و از باد زنان

هوا داده باشند که جوش زاید خواهد برآورد و بعده سوخته نموم لگاهدارند الضاً برای ورم جگر مغز تخم کدوی دراز

مویشه مغز مغز تخم خیار زه مغز تخم خیارین تخم کاهو تخم کشنیز خشک مغز صندل سفید باریک سائیده اقراص سازند

القدر کنار بطور مناسب داده باشند معجون فلاسفه م زنجبیل خشک فلفل دراز فلفل سیاه دارچینی پوست آمله

پوست بلیله چینی کابلی زرنب مغز چلغوزه بیخ بالچهر مغز نارجیل تخم بابونه مویز منقی کرفس راکوفته در عسل بیخته

در شهد خالص بهیئه نارجیل وسنقی و مغز چلغوزه باریک سائیده بیامیزند خوراک از شش ماشه تا نه ماشه برای طحال مجرب م

تخم کاسنی فطراسالیون قنطوریون زراوند اذخر ابهل سنبل الطیب برگ جهاو نگهر خورد بادیان ساذج هندی

بنجیاو دیا بیخ کاسنی جراید عشبه مغربی افسنتین مکو سبز آب بد شور رخ تا شده بعده بیخ شنیش اثار فقر شربت

شش توله حب برای آتک ابهل انزروت اشق برگ سناء عصاره ریوند اسارون تخم ترب سکبینج جاوشیر

ارسا کوفته بیخته در مغز تلسی ارورها دن دسته یکذات کرده حب سازند بعده مقدار کلان برای مرد کلان دو حب

صباح و شام همراه عرق داده باشند الضاً ضماد له سنگ جاوشیر مصبر الخ گل کنده برونده مرمکی اشق

حلبه بزرکتان تخم خطمی تخم کنوچه کوفته در سرکه خیسانیده ملکی بر پارچه چسپانیده بمقام طحال بچسپانند

حب بجه اسمر خونی و بادی برگ بودینه تخم گندنا پوست بلیله کابلی پوست بلیله زرد بلیله سیاه پوست املهٔ پوست بلیله

گل کلیس مصطگی رومی بابونه بکاین بادیان زیره سفید مغز تخم مولی ریوند عرق گلاب نمرا و مصطگی

راحت راحه الکاید ادویه کوفته در عرق کرونده شب خیسانیده صباح همراه باشیده ریزوند در گلاب

خیسانیده صباح انداخته بر آتش بریزند و قتیکه غلیظ شود همه ادویه بیامیزند و حب بسته بعده از دانه عناب

محذر همراه عرق بادیان صباح و شام بخورانند تا دوازده روز یا چارده روز برای هرچه با جو ابسرکه زائد شده باشد

و گوشت زاید رحم که مانع مقاربت باشد بادیان شور طبیخ نجاست گرم بر پیاز نموده کوفته بر مقام مخصوص جمع سازند

یا بر بند سنا از اسرار است گشنیز نمک سلیمانی پهٹکری شوره قلمی نوشادر کسیس نمک ملانبهر همه را باریک سائیده

در رگهای بند بشده تیار سازند و اسیر خونی کیواسطے نهایت مجرب ہے گھیر و آب برگ سنگر و ندی مین اهر گولی بناوین

القدر کنار دشتی هفت شب کهایا کرین بواسیر ریاحی کیواسطے فلفل سیاه در گوشت مویز منقی با ہم پیسکر القدر کنار

دشتی گولی بناوین رات کو آب گرم کے ساتھ ایک گولی کهاوین